

۲۲ - ترجمه بخشی از الابطال

درباره پیامبر اکرم (ص)

قل از مجله دانش آموز (از نشریات کانون اسلام)

شماره نهم و دهم - شهریورماه ۱۳۲۱

صفحه ۲۸ - ۳۰

کتابخانه آنلاین «مالقانی و زمانه ما»

ترجمه بخشی از ابطال دانشمند بزرگ

«توماس کارلیل»^(۱)

امروز دیگر بر هر فرد متمدن از پسران این عصر بزرگترین ننگ است که گفتار

۱- دانشمند بزرگ کارلیل در چهارم تشرین ۱۷۹۵ متولد شده و این تاریخ مطابق است با چهار ماه پیش از نهضت ناپلئون بر آن جنگ بزرگ، هشتادوش سال زندگی کرده که بخشی از عرش مشرف اشتغال به تحصیل و مطالعه بوده و بخش بیشتر آن مشغول تألیف و تصنیف کتاب‌های تاریخی، فلسفی، اخلاقی، مواعظ، ترجمه، بوده. مهمترین مؤلفات این دانشمند همین کتاب قهرمانان، کتاب انقلاب فرانسه، کتاب گذشته و حاضر، کتاب ساتورزارتوس، یا فلسفه ملاس، کتاب سیره کرومول، تاریخ فردریک پادشاه پروس، است.

این کتاب قهرمانان رسیدگی شخصیت‌های برجسته جهان است که به صورتها و اطوار گوناگون ظاهر شده و چگونه مردم هر عصر در پیشگاه جلال آنها سر فرود آورده و با چه دیده به آنها می‌نگریستند، چه کارهای بزرگی از خود ظاهر ساختند، در این کتاب دانشمند بزرگ چنان با نظر ثاقب خود از پشت پرده‌های ظاهر اعماق فکر و روح و فضائل خلقی این بزرگان را بررسی نموده که گویا در تمام اطوار فکری و انقلاب‌های درونی با آنها همراه بوده، و این خود دلیل بر اوج فکر و مقام شامخ روح او است، و بالاخره ثابت نموده که سرسلسله فصول مهم تاریخی و روابط علل و معلول در انقلابات و کمالات و معارف همین قهرمانان بزرگند، و از این جهت کتابی بی‌نظیر و اثر فکری عمیق است.

قطعه بسیار مهم و محتاس این کتاب بخشی است که درباره برگزیده جهان پیمبر آخر زمان محمد مصطفی ﷺ است.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

پیش از طلوع این کتاب رسول مکرم هدف قلمها و زبانهای متعصبین و کشیش‌های بازی‌گر غرب خصوص مردم قرن ۱۸ که قرن ولتر و قرن الحاد و کفر است می‌بود، طلوع این کتاب است آقای نویسندگان را که آتش کینه و بغض در دل مردم می‌افروختند فلج کرد و نوشتاشان به سبب رسوائی و فضاحت خودشان گردید. «تبت یدا ابی لهب و تب ما اغنی عنه ماله و ما کسب» و تاریکی شبهات و شکوکی که بازیگران بازیگران غرب درباره اسلام برانگیخته بودند بر طرف کرد.

چون شهاب ثاقب اوهام شیاطین را که در حول آسمان افکار رصد کرده بودند محترق نمود.

ریتشارد دژازیت، می‌گوید وقتی که کارلیل مقاله خود را درباره اسلام نوشت که در آن از محمد ﷺ دفاع می‌کرد و در پیش روی او پیکار می‌نمود، هر بیوه‌سرائی که دستش را به عرض محمد ﷺ گشوده بود. دستش بسته و فلج گردید، و هر ناسزاگویی که بر این کتاب درخشان مطلع گردید تیرهایش به گلوگاه خود برگشت، تا آن که شرف پیمبر ﷺ به فضل این دانشمند بزرگ در این سرزمین از هر جهت از این مردم خلاص شد، پس بر غیرتمندان و سران مسلمین است که همگی این یدیبیضاء و این خدمت درخشان را از این قهرمان بزرگ قدردانی و شکرگزاری کنند. و به جان خودم اگر مجسمه این مرد را در تمام مآذنه‌های مسلمین نصب کنند و به اسم او دیوار مساجد و منبرهای خطابه را زینت کنند هنوز حقش را چنان که باید اداء نکرده‌اند.

پس از طلوع این کتاب و مانند آن و ظهور سیدبزرگوار نابغه اسلام سیدجمال‌الدین دویست میلیون افزوده شده و بحمدالله روز بروز رو به افزایش است.

بی‌هوده‌سرایانی که دین اسلام را ساختگی و محمد ﷺ را اهل فریب و تزویر می‌دانند بپذیرند، و زمانی رسیده که با انتشار این گونه گفته‌های شرم‌آور پست بجنگیم.

چه، رسالتی که این رسول برگزیده به عالم رساند مدت دوازده قرن است که چراغ فروزان برای دویت میلیون مردم است، چه مردمی مانند ما، همان خداوندی که آنها را آفریده، آیا می‌توان هیچ فردی از شما باور کند و بپذیرد که رسالتی که میلیونها مردم بی‌حد و حصر به آن زندگی کرده و بالای آن جان داده‌اند دروغ و فریب باشد؟ اما من هیچ‌گاه چنین رأی را نمی‌توانم بپذیرم، و اگر دروغ و فریب به این اندازه نزد خلق خدا رائج شود و این‌گونه مورد استقبال و تصدیق واقع گردد پس مردم جز مشتی ابله و دیوانه نیستند، و سراسر زندگی جز پستی و یهودگی و گمراهی نیست همان بهتر که چنین زندگی به وجود نمی‌آمد،

ای وای، چه قدر جای تأسف است، چه اندازه این گمان زشت است، به چه حد صاحبان آن ضعیفند، فقط باید به نظر دلسوزی و رحمت به آنها گریست و به حالشان گریست،

- سپس بر کسانی که در علم به حقایق وجود می‌خواهند به مقامی برسند حتم است که گفته‌های این مردم سفیه را ابداً تصدیق نکنند، چه این گفته‌ها آثار دوره‌های کفر و عصرهای بی‌دینی و الحاد است، و چنین گفته‌ها دلیل است بر پلیدی دلها، و تباهی تئتها، و مردن روح‌ها در راه زندگی بدنها، شاید جهان هنوز راثی به این شومی و کفری بخود ندیده.

- گروه برادران!!! آیا هیچ دیده یا شنیده‌اید که مرد دروغ‌گوئی دینی پدید آرد و آن را در میان مردم به آبرومندی بتواند رواج دهد،

شگفتا، به خدا سوگند، مرد دروغ‌گو نمی‌تواند خانه از آجر بر پا نماید، چه اگر به خصوصیات گنج و آهک و گل و مانند آنها آگاه نباشد آن که بنا می‌کند خانه نیست فقط تلی از خاک و توده از مواد مختلط است، بلی، چنین بناء لایق آن نیست که دوازده قرن بر پایه خود استوار بماند و همیشه دویت میلیون نفوس در آن زیست نمایند،

بلکه سزاوار همانست که چنان ارکان آن منهدم گردد و بنایش از هم فروریزد که تو گوئی هیچ به وجود نیامده، من این را به خوبی درک می‌کنم که بر هر شخص لازم است در همه امور طبق قوانین طبیعت مشی کند، والا طبیعت از اجابت مطلوبش سرپیچ و از رساندن به مقصدش خود داراست،

دروغ است به خداوند آنچه این کافران اشاعه می‌دهند اگر چه آن را به صورتی درآورده

که خود حَقّش گمان کرده‌اند، و باطل و بی‌هوده است و گرچه چنان آرایش کرده که خود راستش پنداشته‌اند، به خدا رنج و مصیبت است که امتها را مردمی دروغ‌گو به این گمراهی‌ها بفریبند، و به این بیهوده‌گرایی‌ها بر آنها سیادت کنند، این دروغ‌ها، این فریب‌ها، همان‌طور که تذکر داده‌ام مانند ورق‌های مالی (ورق‌های گناه‌بخشی) ساختگی است که مردم دروغ‌گو آن را به حيله با دست گناهکار خود ساخته و برون داده و آثار شوم و مصیبتش به دیگران برگشته و خود آنها برکنار مانده، به نیاکانتان سوگند، چه مصیبتی، مصیبتی مانند انقلاب فرانسه و نظیر آن از فتنه‌ها و رنج‌ها، انقلاب و شورشی که با صدای بلند فریادزند.

«این ورق‌ها دروغ و ساختگی است» س. م. طالقانی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»